

متن پرسش

با عرض سلام خدمت استاد عزیز: پیرو سوال شماره ۳۰۸۷۳؛ شما در کتاب شریف «هدف زمینی آدم» چندین بار به وجود نقائص پنهان در عالم برزخ نزولی اشاره کرده اید. مثلاً: «آدم در زندگی در برزخ نزولی هنوز نقص دارد و آن عبارت است از این که امکان از دست دادن آن شرایط برایش هست. درست است که زندگی در زمین، نقصش بیشتر است، ولی در مقایسه با برزخ صعودی، برزخ نزولی دارای يك نحوه نقص است.» همچنین: «این که «لِيُنْدِي لَهْمًا مَا وُورِيَ عَنْهُمَا مِنْ سَوْءَاتِهِمَا» تا آنچه از عیب‌ها برای آن‌ها پوشیده بود را آشکار کند. یعنی آدم و حوا در آن بهشت نقص‌ها و عیب‌هایی دارند که در آن مقام به جهت عدم توجه نظر به آن عیوب ندارند. حالا آن عیب‌ها چه چیزی است که شیطان تلاش می‌کند آن‌ها را عمده و آشکار کند؟ آیا همان میل به لذات دنیایی و میل به طبیعت که در آن‌جا اهمیتی نداشت، نیست؟... چه چیز در آن عالم برای آن‌ها پنهان بود؟ «مِنْ سَوْءَاتِهِمَا» معایبشان.»

عرض بنده هم این بود که بالاخره یک نقص هایی بود که هرچند در آن عوالم قبلی به جهت وحدتی که حاکم است آشکار نبود اما با ورود به عالم طبیعت آشکار می‌شود. حال با توجه به اینکه می‌فرمایید: «حالا بعد از نزدیکی به شجره و در عین پذیرفتن توبه، باید زندگی زمینی‌تان را شروع کنید. ولی اگر روی زمین بیاید در زمین از طریق شریعت الهی نقص‌هایتان را کشف می‌کنید و در صدد جبران آنها برمی‌آید.» حالا همان نقایص و معایب پنهان از کجا سرچشمه می‌گیرد؟ چون این عیب‌ها و نقص‌ها در عالم طبیعت برای هر کسی به نحو متفاوتی آشکار می‌شود. مثلاً کسی قدرت طلب است و کسی شکم پرست است و ... شما در این کتاب ضمن توضیحات خود نقایص انسان را در قیاس با کمال مطلق دانسته اید و فرموده اید: «انسان طوری است که می‌خواهد به مقصد خود یعنی بندگی خدا برسد، چون علم به خود دارد که هیچ است، هیچ. و در مقایسه با کمالات مطلق پروردگارش که مقصد و مقصود اوست، متوجه نقص‌های خود می‌شود.» با توجه به فرمایش شما بنده این سوال را مطرح می‌کنم که آیا اینطور نیست که همان نقصی که در مقابل کمال مطلق داریم — و همین نقص در قیاس با مظاهر اسم جامع الله نیز نمود پیدا می‌کند — به صورت نقص‌های جسمانی در عالم طبیعت ظهور پیدا می‌کند و انسان را دچار تعب می‌کند؟ (در ادامه بیشتر توضیح می‌دهم)

شما در این کتاب می‌فرمایید: «هر چه به طبیعت نزدیک بشوید، به تعب می‌افتید و از بهشت خارج می‌شوید، آن وقت نقص‌ها و زشتی‌ها ظاهر می‌شود... هبوط یعنی کاری کنیم که روح گرفتار جسم شود و جهت جان را به جسمی که در دنیاست معطوف داریم و همه توجه‌مان به نقص‌های جسم مشغول شود» پس نقائص ما به واسطه جسم عنصری در عالم طبیعت نمودار می‌شود و در عوالم قبلی

نقائصی هست که نمود ندارد و منظورم از نقائص این نیست که انسان فی حد ذاته عیبی دارد بلکه خلقت هر انسانی بنا بر عین ثابتی است که دارد در تعادلی مناسب شأن او انجام پذیرفته و در عوالم علوی هیچ عیب و نقصی از این جهت ندارد اما چون قرار است که مقامات خود را با اراده خویش کسب نمایند همین نقصی که شما هم فرمودید در قیاس با کمال مطلق در وجود هر کسی تعبیه شده، در عالم طبیعت در قالب نقص های جسم های ظهور می یابد و انسان را گرفتار امتحان و ابتلاء می کند. جهت توضیح دقیقتر: طبق نظر عرفا مزاج زمینی انسان و ترکیب جسمانی او که مرّج و مخصّص حدوث نفس و معین استعدادهای نفسانی و جبلی اوست، صورت زمینی استعدادی است که در عین ثابتی او و اسمائی که این عین ثابتی مظهر آن هاست وجود دارد. بر این اساس، مثلاً کسی که در آن استعداد اصلی در عالم علمی، اسم علیم در او ظهور چندانی نداشته باشد، در مزاج زمینی او نیز این نمودار خواهد شد و چندان استعداد فهم دقائق علمی را ندارد و یا کسی که مظهر برخی اسماء جلالی است مثلاً مزاجی غضبناک خواهد داشت. به عبارت دیگر، آن نقصی که از جهت قیاس با اسم جامع الله و عین ثابتی آن — که در نهایت اعتدال است — دارد در عالم طبیعت که عالم اضداد است در قالب مزاجی ظهور می نماید که به جهت غلبه خلط صفرا و عنصر آتش او را از تعادل حقیقی انسان کامل دور می کند و همین عدم تعادل در مزاج جسمانی است که نقص او در ظهور جامع اسماء را آشکار می کند و او را به تعب می اندازد و نحوه سلوک زمینی او را معلوم می کند. یعنی انسان عصبانی مزاج باید با این خصیصه ای که در عوالم قبلی به جهت وحدت حاکم بر آن نمودی نداشت جهاد نماید و نفس خود را حاکم بر این تمایل بدنی و مزاجی نماید تا نقص او جبران شود، یا به عبارت دیگر حالتی برای او ایجاد شود که همانند عوالم قبلی با وجود مظهریت او از اسماء جلالی در تعادل قرار گیرد. اما تعادلی مناسب شأن عالم طبیعت و وقتی چنین کرد و در هر عالمی تعادلی مناسب آن عالم را ایجاد کرد (در عالم طبیعت تعادل مزاجی و در برزخ صعودی ملکه عدالت) آنگاه خلیفه حق در این عوالم گشته و آن شأن والای اولیة خود را با اراده خویش دوباره به دست آورده است. با تشکر از زحمات شما استاد گرانقدر

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: رویهمرفته نکات خوبی را مطرح می فرمایید. آری! در برزخ نزولی که روح، از مقام بالاتر وجود تکویناً به مرتبه نازل تر نزول می کند، نقص هایی محقق می شود که صورت این فرآیند، نزدیکی به شجره ممنوعه است که نماد عالم کثرت می باشد عالمی که جامعیت ندارد و هرچیزی، چیزهای دیگر نیست. در حالی که در مقام برتر یعنی در مقام جامعیت هر چیزی، چیزهای دیگری هم هست مثل نور سبز در نور بیرنگ. ولی در طیف نوری که از منشور عبور می کند نور سبز، شش نور دیگر نیست. در رابطه با حضور در عوالم مادون یعنی عالم اسفل السافلین و تجربه چنین حضوری خوب است به جواب سؤال شماره ۳۰۸۶۹ رجوع شود. موفق باشید

